

تغییرات فرهنگی و تحول خانواده معاصر با تأکید بر ازدواج و فرزندآوری

دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳، پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱

شهلا کاظمی پور^۱

چکیده

طی چند دهه اخیر نهاد خانواده در ایران، با تغییرات مهمی، مانند: تغییر در شکل گیری ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، افزایش مجرد قطعی، تغییر در دایره همسرگزینی، تغییر در معیارهای همسرگزینی و تغییر در ایستارهای فرزندآوری روبرو بوده است. بسیاری از صاحب نظران، تغییرات نهاد خانواده را تنها نتیجه تغییر در وضعیت اقتصادی و ساختار نهادی جامعه ندانسته، بلکه معتقدند، این تحولات از تغییرات فرهنگی و دگرگونی در روند ارزش ها و سنت ها سرچشمه می گیرند.

مبنای نظری این پژوهش متکی بر نظریات ایده ای و نگرشی است. که بر اساس نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت و نظریه وندوکا و لستاق در چارچوب نظریه گذار جمعیتی دوم، دو جنبه از تغییرات ارزشی و نگرشی در کشور شامل فردگرایی و ارزش های خانوادگی و تأثیر آنها بر دگرگونی در معیارهای و شیوه های همسرگزینی، نگرش به سن مناسب ازدواج و تعداد فرزند مطلوب، مد نظر قرار گرفته است. داده های مورد نیاز بر گرفته از یافته های دو پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) و موج سوم ارزش ها و نگرش های ایرانیان (۱۳۹۴) است که به روش تحلیل ثانوی، مورد ارزیابی قرار گرفته اند. یافته های تحقیق نشان داد که میزان فرزندآوری در ایران طی چهار دهه اخیر از میزان باروری در حد طبیعی (۷/۱ فرزند)، به باروری ارادی و به زیر سطح جانشینی (۱/۷ فرزند) رسیده و میانگین سن ازدواج پسران و دختران با حدود ۵ سال افزایش همراه بوده است. ارزش ها و نگرش ها در مورد ازدواج و فرزندآوری و میزان فردگرایی در سه نسل جوان، میانسال و مسن تفاوت داشته است. از طرف دیگر نگرش به فرزند دلخواه و سن مناسب ازدواج، با میزان فردگرایی همبستگی معنی دار دارند. لذا می توان تأثیر عوامل فرهنگی بر تغییرات ازدواج و فرزندآوری در ایران را مورد تأیید قرار داد. و می بایست جهت تجدید نظر در سیاست های جمعیتی بر عوامل فرهنگی بیشتر تأکید شود. کلیدواژگان: تغییرات فرهنگی، ارزش ها و نگرش ها، فردگرایی، ارزش های خانوادگی، ازدواج، فرزندآوری

۱. دانشیار و عضو هیئت علمی بازنشسته دانشگاه تهران

مقدمه و بیان مسئله

در بین تمامی نهادها و سازمان‌های اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. خانواده نهاد اجتماعی سازنده‌ای است که از طریق یک قرارداد اجتماعی بنام ازدواج، تشکیل می‌شود. خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی قرار گرفته است، و این دگرگونی موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه زیسته تک‌تک انسان‌ها شده است. این تغییر شکل، ارزش‌های متفاوتی را نیز بوجود آورده، بطوریکه ارزش‌های جدید خانواده، متفاوت از ارزش‌های سنتی شده است. چالش‌های مابین ارزش‌های سنتی و مدرن، نقش افراد در داخل خانواده را نیز تغییر داده است (مدیری، ۱۳۹۷: ۷۲).

با توجه به نظریه تغییرات فرهنگی و ارزشی اینگلههارت^۲، توسعه اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی، تغییراتی را در اولویت‌های ارزشی افراد و گروه‌ها بوجود آورده است. به نظر وی، توسعه اقتصادی و رشد تکنولوژیک و ارضای نیازهای اساسی در جامعه، منجر به ظهور نیازهای غیر مادی مانند عزت نفس، خود شکوفایی و دستیابی به منزلت اجتماعی در بین جوانان و نسل حاضر می‌گردد. او فرامادیگرایی را یکی از جنبه‌های فراگرد گسترده دگرگونی فرهنگی و ارزشی می‌داند.

به نظر بسیاری از نظریه پردازان، مدرن شدن باعث بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد در جامعه می‌شود. به نظر آنان یکی از جنبه‌های مشخص هویت مدرن، فردگرایی است. فردگرایی اولویت را به فرد می‌دهد و بر علایق و مطالبات فردی تأکید دارد. در جوامع مدرن، فردگرایی شکل خاصی از فرهنگ را ایجاد می‌کند که در آن افراد خودمختار هستند. گیدنز^۳ فردگرایی را یکی از مهمترین ویژگی جامعه مدرن به شمار می‌آورد (گیدنز، ۱۳۷۷). این جنبه از هویت مدرن فقط به جهان بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه تغییراتی را، هم در حوزه آگاهی و هم در حوزه کنش به وجود می‌آورد (سهراب زاده و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۷۲).

در چند دهه اخیر، نهاد خانواده با تغییرات مهمی، مانند: تغییر در شکل‌گیری ازدواج و تشکیل خانواده، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان ازدواج، افزایش مجرد قطعی، تغییر در دایره همسرگزینی و تغییر در معیارهای همسرگزینی. همچنین تغییر در ایستارهای فرزندآوری روبرو بوده است. بسیاری از صاحب‌نظران، تغییرات نهاد خانواده و شکل‌گیری خانواده فردگرایانه را به نظریه گذار جمعیتی دوم نسبت می‌دهند. ون

دوکا و لستاق^۴ در چارچوب نظریه گذار جمعیتی دوم به در نظر گرفتن عوامل فرهنگی در تبیین تحولات ازدواج و فرزندآوری تأکید نموده و اشاره می‌کنند که تغییرات نهاد خانواده، تنها نتیجه تغییر در وضعیت اقتصادی و ساختار نهادی جامعه نیستند، بلکه از دگرگونی در روند ارزش‌ها و سنت‌ها سرچشمه می‌گیرند. آنها پیشنهاد می‌کنند که عوامل و دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در توضیح تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج و باروری وارد نمود و در مورد خانواده، مهمترین تغییر فرهنگی گسترش فردگرایی و تضعیف ارزش‌های خانوادگی است (رستگار خالد و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

به دلیل جهانی شدن و فرایند مدرنیته، ساختار اجتماعی خانواده ایرانی نیز پیامدهایی را در خود پذیرفته است. رشد شهرنشینی، افزایش تحصیلات، افزایش میزان استفاده از رسانه‌ها، افزایش امید زندگی، افزایش سن ازدواج، کاهش فرزندآوری، بهبود امکانات پزشکی و بهداشتی و رشد شاخص توسعه انسانی، همگی ازجمله شاخص‌های نوسازی هستند که ایران در طول چند دهه گذشته تجربه کرده است (مدیری، ۱۳۹۷: ۱۴۸). همچنین نتایج بسیاری از تحقیقات انجام شده در جامعه ایران، حاکی از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به خصوص جوانان است، تا آنجایی که برخی معتقدند ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال شکل‌گیری مجدد هستند. در این میان یکی از حوزه‌هایی که تحت تأثیر تغییرات ارزشی و نگرشی قرار گرفته است، ارزش‌ها و نگرش‌های پیرامون نهاد خانواده است (افشار کهن و رضائیان، ۱۳۹۷: ۲۹۵).

سرایی (۱۳۸۵) معتقد است که تاریخ معاصر ایران روایتگر تقلای یک جامعه ریشه‌دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم)، و از سوی دیگر برای مدرن شدن (تغییر)، بوده است. در بستر تحولات فرهنگی، برخی از الگوهای تاریخی حاکم بر خانواده و به تبع آن ارزش‌ها، رفتارها و ایده آل‌های مربوط به ازدواج و فرزندآوری دستخوش تغییر شده است. (سرای، ۱۳۸۵: ۴۱).

تغییر ارزش‌های خانواده از جمله ازدواج و فرزندآوری در جوامع غیر غربی (از جمله ایران) هم، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی، قابل ملاحظه و چشمگیر است. تغییر: از خانواده گسترده به هسته ای، از خانواده گرایی به فردگرایی، از کنترل خانواده به استقلال جوانان، از ازدواج‌های از پیش ترتیب داده شده به ازدواج‌های بر اساس عشق و انتخاب، از ازدواج در سنین جوانی به ازدواج در سن بالا، از عمومیت ازدواج، به داشتن

در مورد تحول ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به خانواده ارائه نموده‌اند که در این مطالعه، جهت سنجش تأثیر تحولات ارزشی و نگرشی و توسعه فردگرایی بر تحول شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری، از این داده‌ها استفاده شده است.

مبانی نظری

رویکردهای نظری مختلفی برای تبیین تغییرات خانواده ارائه شده که بطور عمده به دو دسته تقسیم می‌شوند، تبیین‌های ساختاری که تأکید بیشتری بر نقش جوامع در تبیین تغییرات خانواده دارند. و تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی که بیشتر بر نقش عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها و ارزش‌ها در تبیین دگرگونی خانواده تأکید می‌کنند. در این بخش، نظریه‌های مرتبط با این دو رویکرد ارائه می‌گردد.

الف: تبیین‌های ساختاری

در تحلیل تحولات خانواده، آن دسته از دیدگاه‌های نظری که بر تغییر ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه به عنوان یکی از عوامل تغییرات خانواده تأکید نموده‌اند تحت عنوان، تئوری‌های ساختاری شناخته می‌شوند. تئوری مدرنیسم یا نظریه همگرایی خانواده و تئوری گذار جمعیتی اول از دیدگاه‌های مطرح در این رویکرد هستند (میرزایی و قربانی، ۱۳۹۴: ۵۳).

- تئوری مدرنیسم یا نظریه نوسازی

یکی از صاحب‌نظران رویکردهای ساختاری، ویلیام جی گود^۵ (۱۹۶۳) است که برای تبیین تغییرات خانواده، نظریه نوسازی را مطرح و با بررسی تغییرات ساختی خانواده در سراسر جهان، تأثیر آن را در تحولات ازدواج و فرزندآوری بررسی کرده است. او با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است که فرایند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدرپور، ۱۳۹۲: ۷۴). بر اساس این تئوری، فرایند مدرنیسم، تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل و نقل و ارتباطات را موجب می‌شود. تحت تأثیر این تحولات ساختاری، ساختار سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه یافته، تغییر کرده و خانواده‌های جدید با ویژگی‌هایی

پتانسیل برای تجرد گسترده، از باروری طبیعی به فرزندآوری کنترل شده، از تعداد فرزندان بیشتر به فرزندان کمتر و تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان، هم در خانواده و هم در عرصه عمومی، از عمده تغییرات ناشی از این گذار بوده است. به اعتقاد سرایی (۱۳۸۷)، نشانه‌هایی از ورود ایران به مرحله گذار جمعیتی دوم مشهود است، از جمله اینکه، طی سه دهه اخیر میانگین سن ازدواج دختران و پسران به ترتیب $4/7$ و $4/3$ سال افزایش یافته (برای دختران از $20/1$ سال به $24/8$ سال و برای پسران از $23/8$ سال به $28/1$ سال رسیده است) و نسبت دختران و پسران ازدواج نکرده $24-20$ ساله، به ترتیب از $25/6$ و $57/3$ درصد در سال 1365 به $43/4$ و $80/2$ درصد در سال 1395 رسیده است. همچنین فرزندآوری در ایران از باروری طبیعی^۵ به یک باروری ارادی^۶ رسیده است که موجب کاهش نرخ باروری کل از $7/1$ فرزند به $1/7$ فرزند یعنی زیر سطح جایگزینی رسیده است.

تحولات شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری در ایران و تعیین عوامل موثر بر آنها، بیشتر از طریق تحلیل‌های ساختاری و اقتصادی بررسی شده است، درحالی که بسیاری از تحولات اقتصادی و مادی که در غرب رخ داده، در ایران و دیگر کشورهایی که وضعیتی شبیه به ایران داشتند، اتفاق نیفتاد است. بنابراین، به نظر می‌رسد، تبیین چنین پدیده‌هایی در کشور ما، با توجه به متغیرهای اقتصادی و مادی چندان مناسب نباشد، درحالی که ایران همانند غالب کشورهایی که با کاهش شدیدی در نرخ باروری خود مواجه شده‌اند، تغییرات فرهنگی و ارزشی گسترده‌ای را تجربه کرده است (رستگار و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

در سال‌های اخیر، چند مطالعه با رویکرد تأثیر تغییرات ارزشی و نگرشی بر تحولات ازدواج و فرزندآوری انجام شده است که یا مبتنی بر تحقیقات موردی و میدانی بوده و یا بر اساس یافته‌های موج اول، یا موج دوم پیمایش ارزش‌های و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در سال ۱۳۹۴ موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در نقاط شهری و روستایی کشور و در سال ۱۳۹۸ پیمایش ملی خانواده در نقاط شهری کشور انجام شده است که داده‌های مبسوطی

۵. منظور جامعه‌ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج نیست، و زاد و ولد کنترل نشده است.

۶. منظور جامعه‌ای است که در آن استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی رایج شده، و زاد و ولد حالت کنترل شده پیدا نموده است.

شوازی و رشوند، ۱۳۹۶: ۱۴۱). در واقع تبیین‌های نگرشی اهمیت بیشتری برای نقش بالقوه مهم تغییر ایده‌ها و گرایش‌های فرهنگی قائلند که در تعامل با عوامل ساختاری، منجر به ایجاد تغییراتی در خانواده می‌شوند. سه نظریه مهم در این ارتباط، نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت، نظریه ایدآلیسم توسعه‌ای تورنتون و نظریه گذار جمعیتی دوم ون دو کا و لستاق می‌باشند.

-نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت

تغییرات بنیادین در نظام ارزش‌های جامعه معاصر را رونالد اینگلهارت^{۱۴} (۱۹۷۷)، تحت عنوان انقلاب خاموش^{۱۵} تبیین کرده است. او معتقد است که در اثر توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته صنعتی، در ارزش‌های مادی این جوامع تحول رخ داده به گونه‌ای که روند این تحول، حرکت از ارزش‌های مادی به ارزش‌های فرا مادی را نشان می‌دهد. از دید او وجه تمایز مردم جوامع مختلف، نگرش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های اصلی و پایدار آنان است. به بیان دیگر فرهنگ آنها با هم تفاوت دارد. اینگلهارت فرهنگ را نظامی از نگرش‌ها، ارزش‌ها و دانشی می‌داند که به طرز گسترده در میان مردم مشترک است (اینگلهارت، ۲۰۰۰: ۲۲۱). اینگلهارت در مطالعه خود در مورد تحول ارزش‌ها در جوامع صنعتی به این نتیجه می‌رسد که، در این جوامع خواسته‌های انسان‌ها در زندگی، دستخوش تحول گردیده است و گرایش به ارزش‌های مادی در نسل گذشته، به علت ارضای این نیازها (مانند غذا، پوشاک، مسکن و...) در نسل جدید، جای خود را به گرایش به ارزش‌های فرامادی داده است. (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷۹).

اینگلهارت طی مطالعات گسترده خود نشان می‌دهد، که دگرگونی ارزش‌ها در میان نسل جدید بیانگر تحول فرهنگی است که نسبت به نسل قدیم رخ داده و در این تحول، کیفیت زندگی و ابراز نظر فردی، برجستگی بیشتری در مقابل هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و مذهبی گذشته دارد (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۶۰ به نقل از رستگار، ۱۳۹۴: ۱۶۹).

- نظریه ایدآلیسم توسعه‌ای

نسخه جدیدی از تبیین‌های نگرشی و ایده‌ای، نظریه ایده آلیسم توسعه‌ای است که توسط آرنلند تورنتون (۲۰۰۱) مطرح

نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی توسعه می‌یابد. در جریان نوسازی، نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی، تغییر یافته است. این تغییر کارکرد، شبکه اجتماعی را جایگزین شبکه خویشاوندی می‌کند و در نتیجه خانواده به واحد هسته‌ای که بر فردگرایی استوار است تبدیل می‌شود. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است (فروتن، ۱۳۹۲: ۱۲). نظریه نوسازی بیان می‌کند: «که در فرایند نوسازی افراد با موقعیت اجتماعی بالاتر (تحصیلات بالاتر، نقش‌های شغلی مدرن و...) خواهان آزادی بیش‌تری هستند و در نتیجه گرایش دارند دیرتر ازدواج کرده و کمتر فرزند داشته باشند» (میننه، ۱۹۹۷: ۲).

-نظریه گذار جمعیتی اول^{۱۶}

شناخته‌شده‌ترین نظریه در زمینه تبیین نقش مدرنیته بر تغییرات باروری، نظریه گذار جمعیتی اول است. این نظریه با توصیف تغییرات باروری و مرگ و میر، مدل نظری برای تبیین این تغییرات بر اساس مدرنیزاسیون ارائه می‌نماید و سپس بر اساس این مدل تغییرات آینده جمعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه را پیش بینی می‌نماید (سرینی و اسان^{۱۷}، ۱۳۸۴: ۳۲). طرفداران این دیدگاه معتقدند، کاهش مولید به دلیل فرایند صنعتی شدن، شهرنشینی و به طور کلی توسعه اقتصادی می‌باشد. بر این اساس، این تغییرات نخست مرگ‌ومیر را کاهش داده و سپس باروری به دلیل افزایش احتمال بقاء فرزندان و شهرنشینی و صنعتی شدن کاهش می‌یابد. از آنجا که پرورش فرزند پرهزینه است، انگیزه والدین از داشتن فرزندان بیشتر، سست می‌شود (ماسون^{۱۸}، ۱۹۹۷: ۴۴۴).

ب: تبیین‌های ایده‌ای و نگرشی

بر خلاف تبیین‌های ساختاری، هسته دیگر از تبیین‌ها، از نقش تغییرات فرهنگی و ارزشی در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌ها به عنوان یکی از مولفه‌های مهم تغییرات خانواده، ازدواج و فرزندآوری دفاع می‌کند (ون دو کا ۲۰۰۱، تورنتون^{۱۹} ۲۰۰۱ به نقل از عباسی

14. Roland Inglehart
15. The Silent Revolution

9. Minh
10. First Population Transition
11. Serini Vasan
12. Mason
13. Torenton

دگرخواهی^{۲۰} نقش اصلی را در زندگی خانوادگی ایفا می‌کرد (فروتن، ۱۳۹۷: ۳). وند دو کا می‌گوید: گذار جمعیتی اول و دوم به دو مدل مختلف خانواده اشاره دارند. به نحوی که مدل خانواده بورژوا که در پس اولین گذار قرار داشت، در گذار دوم، جایش را به مدل خانواده فردگرایانه می‌دهد. در واقع، در حالیکه در جریان گذار جمعیتی اول، خانواده به صورت نهادی نیرومند ظاهر می‌شد، تضعیف خانواده، نماد گذار جمعیتی دوم تلقی می‌شود (ون دو کا، ۲۰۰۳: ۶). در واقع در چند دهه آخر قرن بیستم در کشورهای اروپای غربی و شمالی و مناطق انگلیسی زبان خارج از اروپا، خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی دگرگون گردید، تکالیف و تعهدات مرتبط با ازدواج رسمی دچار فرسایش شد، ارزش‌های پسا مادی^{۲۱}، متناظر بر نیازهای ثانویه، جانشین ارزش‌های مادی، متناظر بر نیازهای اولیه، در سلسله مراتب نیازهای مزلو^{۲۲} (۱۹۵۲) شدند. و در نتیجه، صورت‌های جدید انتخاب زندگی مشترک، پابندی به هنجارهای جا افتاده اجتماعی الگودهنده به زندگی مشترک را تضعیف کرد، و توالی وقایع در مسیر تشکیل زندگی مشترک و دوام آن از حالت استاندارد شده و یکنواخت خارج گردید (سرای، ۱۳۸۷: ۲۳-۱۲۲). لستاق و نیلز (۲۰۰۲). در بیان ویژگی‌های خانواده در گذار جمعیتی دوم، به مواردی از قبیل: افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، کاهش نسبت افراد ازدواج کرده، افزایش طلاق، کاهش میزان ازدواج‌های مجدد متعاقب طلاق و بیوگی، کاهش بیشتر فرزندآوری متأثر از به تأخیر انداختن آن و افزایش سن والد شدن، افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج، افزایش بی‌فرزندی قطعی در میان زوجین، افزایش نیازهای سطح بالاتر، از قبیل استقلال فردی و خودشکوفایی، و همچنین افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان اشاره می‌کنند (لستاق و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۳۱ به نقل از رازقی، ۱۳۹۵: ۹۹) به همین دلیل، لستاق (۱۹۸۲)، پیشنهاد می‌کند که عوامل دگرگونی‌های فرهنگی را نیز همچون عوامل اقتصادی باید در توضیح تغییرات اخیر در الگوهای ازدواج و باروری وارد کرد. آنها معتقد هستند که مهمترین تغییرات فرهنگی در مورد خانواده گسترش فردگرایی و تضعیف ارزش‌های خانوادگی است (رستگار، ۱۳۹۴: ۱۶۲).

شده است. در این نظریه، نیروی اصلی تعیین کننده تغییرات ارزشی و رفتاری خانواده‌ها، اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه و پیشرفت به عنوان یک آرمان بشری و در شکل بسته‌ای از ایده‌ها، در دنیا مقبولیتی عام یافته است. (عباسی شوازی و رشوند، ۱۳۹۶: ۱۴۱). نظریه ایده آلیسم توسعه ای، یک سیستم ارزشی و اعتقادی است که بیان می‌کند، نگرش‌های اجتماعی و خانوادگی که به عنوان مدرن تعریف شده‌اند، بهتر از نگرش‌های سنتی هستند. و بر اشاعه و گسترش ایده‌های مرتبط با توسعه، پیشرفت و مدرنیزاسیون در سطح جهان به عنوان عاملی مهم در تغییرات ارزشی و رفتاری تأکید دارد که به عنوان ایده آلیسم توسعه‌ای در تمام دنیا انتشار یافته است. این مجموعه از ایده‌ها و نگرش‌ها، ایده‌آل‌هایی را ایجاد می‌کنند که موجب تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با تشکیل خانواده و باروری (مانند: افزایش استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری، پذیرش اندازه کوچک خانواده، افزایش سن ازدواج و برابری جنسیتی بیشتر) شده‌اند. همچنین تکنولوژی ارتباطات و رسانه‌های جمعی دانشی درباره اشکال جدید رفتار به تمام نقاط جهان گسترش می‌دهند و اشکال جدیدی از رفتارها عمومیت می‌یابند (تورنتون و دیگران، ۲۰۱۲: ۲۲-۱؛ تورنتون، ۲۰۱۰: ۵۰-۲۱ به نقل از عباسی شوازی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴۲).

- نظریه گذار جمعیتی دوم^{۲۳}

نظریه گذار جمعیتی دوم که خاستگاه اولیه آن عمدتاً مبتنی بر تحقیقات ویلیام تامپسون و فرانک توتشتاین^{۲۴} در دهه ۱۹۵۰ در دانشگاه پرینستون است. به تبیین زمینه‌های تکوین و پیامدهای پویایی و تحولات خانواده می‌پردازد. این نظریه معطوف به وضعیت و ویژگی خانواده نوین در چند دهه اخیر است و به همین سبب، گذار خانواده^{۲۵} نیز تلقی شده است. مطابق این نظریه، خانواده و پیوندهای زناشویی در دوره معاصر به ویژه در کشورهای صنعتی، دستخوش تحولات بنیادین شده است. ون دوکا (۲۰۰۳) خاطر نشان می‌کند که گذار جمعیتی دوم، ناظر بر تحولات بنیادین خانواده است که بیش از هر چیز ریشه در فردگرایی^{۲۶} دارد. یعنی هنجارها و نگرش‌هایی که بیش از هر چیز بر حقوق و کامیابی افراد تأکید می‌کنند. در حالیکه در گذشته جامعه معمولاً معطوف به خانواده و فرزندان بود و

20. Altruism

21. Post- materialism

22. Maslow

16. Second Demographic Transition

17. Frank Notestain

18. Family Transition

19. Individualism

پیشینه تحقیق

- عباسی شوازی و همکاران (۱۳۹۶)، «تأثیر جهت گیری های ارزشی - نگرشی بر ایده آل های فرزندآوری در ایران»، را با استفاده از روش تحلیل ثانویه داده های پیمایش ملی ارزش ها و نگرش های ایرانیان در سال ۱۳۹۴، مورد مطالعه قرار داده اند. نتایج این پژوهش، نشان می دهد که با وجود ایده آل دو فرزند (۴۸/۱ درصد)، حدود ۴۳ درصد نیز سه فرزند و بیشتر را ایده آل فرزندآوری گزارش کرده اند. واز میان متغیرهای ارزشی نگرشی، برابری جنسیتی و دینداری بیشترین تأثیر را بر ایده آل فرزندآوری داشته اند.

- رستگار خالد و محمدی (۱۳۹۴)، در تحقیق «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران، بر پایه تحلیل ثانوی داده های پیمایش ارزش ها و نگرش های ایرانیان»، بر ارزش های فرهنگی مانند، فردگرایی و ارزش های خانوادگی متمرکز شده و تأثیر آنها را بر تمایل به باروری، مورد سنجش قرار داده اند. در این مطالعه، نتایج حاصل از آزمون ارتباط بین میزان باروری با ارزش های خانوادگی بیانگر وجود ارتباط معنادار بین این دو متغیر در ۲۸ مرکز استان کشور است. بدین معنا که شهرهای با بیشترین میزان اهمیت به ارزش های خانوادگی، از بالاترین نرخ های باروری برخوردار بوده اند.

- میرزایی و قربانی (۱۳۹۴)، در مطالعه خود تحت عنوان «جهت گیری ارزشی مادی گرایانه - فرامادی گرایانه و زمان بندی ازدواج» (مطالعه موردی: مردان و زنان در شرف ازدواج استان کهگیلویه و بویراحمد)، که بر اساس روش پیمایش با نمونه ۴۰۰ نفری از افراد در شرف ازدواج است. چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت است. نتایج نشان داد که تغییرات ارزشی اثر معناداری بر زمان بندی ازدواج هر دو جنس دارد. در بین متغیرهای زمینه ای، هر چهار متغیر یعنی تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل سکونت و وضعیت اقتصادی - اجتماعی رابطه معناداری با زمان بندی ازدواج زنان دارند.

- زهرا شاه آبادی، و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی تحت عنوان «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج در شهر نیشابور»، بر اساس داده های یک پیمایش بر روی ۴۱۵ نفر از زنان در شرف ازدواج ۱۰ تا ۳۹ ساله، به عواملی مانند: مدرنیته و نوسازی، رشد فزاینده فردگرایی به عنوان یک متغیر تعیین کننده در قصد باروری در زنان نسل جدید ازدواج، آزادی های فردی، خودابرازی و خودتحقق بخشی، از عناصر مهم گذار دوم

جمعیت شناختی توجه شده است.

- کیم^{۲۳} (۲۰۱۶)، تفاوت ارزش های خانوادگی و عوامل مؤثر بر این ارزش ها در بین سه نسل را مورد بررسی قرار داده است. نتایج پژوهش وی نشان می دهد، که درک ارزش های خانواده و همچنین عوامل مؤثر بر درک ارزش های خانوادگی، بین سه نسل متفاوت است و ارزش ازدواج سنتی در بین بزرگسالان مسن تر کاهش یافته چراکه آن ها از زندگی زناشویی رضایت دارند و فعالیت هایی را با همسرانشان انجام می دهند.

- ماری سارا هارپر^{۲۴} (۲۰۱۰)، در مطالعه خود تحت عنوان «رابطه بین نگرش ها غیر فردی به ازدواج سنتی در جامعه امریکایی معاصر»، به بررسی نگرش نمونه ای از ۱۰۰ نفر از افراد «واجد شرایط ازدواج» در مورد نهاد ازدواج در رابطه با رواج فزاینده نگرش های فردگرایانه در جامعه معاصر آمریکا می پردازد. این مطالعه نشان داد که افزایش نگرش های فردگرا با افزایش نگرش های منفی نسبت به ازدواج سنتی رابطه آماری مثبت و معنی داری دارد. در این مطالعه استدلال می شود که افزایش نگرش های فردگرا، عامل اصلی کمک کننده به سه روند کاهش زناشویی است. افزایش آمار طلاق، کاهش نرخ ازدواج و افزایش تعداد گزینه های جایگزین برای ازدواج سنتی.

- کمپبل و رایت (۲۰۱۰) در یک مطالعه درخصوص باورها و اعمال ازدواج در ایالات متحده، به این نتیجه رسیدند که اعتقادات درباره ازدواج در طول زمان نسبتاً ثابت مانده است، اما شیوه های ازدواج مانند مراسم، نقش های جنسیتی و ارزش ها تغییر کرده اند.

- نیلز^{۲۵} (۲۰۰۵)، در مقاله ای با عنوان «تأخیر باروری، پویایی های فرهنگی یا تغییر ساختاری»، با اشاره به تبیین های مختلفی که در رابطه با کاهش باروری مطرح شده است، به تغییرات اخیر فرهنگی و نقش آن ها در کاهش باروری می پردازد. او به این نتیجه می رسد که تغییرات فرهنگی رخ داده در دهه های اخیر، تاحدی تغییر در نرخ های باروری را تبیین می کند..

- سورکین و لستهاگ^{۲۶} (۲۰۰۴)، در مقاله ای به ردیابی تجربی ارتباط بین گرایش های ارزشی گوناگون و انتخاب های دوره زندگی مربوط به ترتیبات زندگی و تشکیل خانواده در مناطق شمالی، غربی و جنوبی اروپا می پردازند. در مدل تجربی آنها ارزش های منتخب خود افراد در جایگزینی روش زندگی یا نوع

23. Kim

24. Mary Sarah Harper

25. Neels

26. Surkyn & Lesthaeghe

توکلی، ۱۳۸۶: ۱۰۵ به نقل از رستگار، ۱۳۹۸: ۱۶۳).

اصطلاح فردگرایی در قرن نوزدهم ابداع شد و تا کنون دو تفسیر منفی و مثبت از آن می‌شود. تفسیرهای منفی، فردگرایی را جریانی جامعه‌گريزانه در نظر می‌گیرند، به صورتی که باعث جدایی افراد از جامعه می‌گردد. در این وضعیت افراد احساس تعهدی نسبت به جمع و جامعه ندارند. این تفسیر متعلق به متفکرین محافظه کار می‌باشد. در مقابل، تفسیرهای مثبت که متعلق به متفکرین لیبرال است، فردگرایی را جریانی رهایی بخش می‌دانند. چراکه انسان در این وضعیت، از شرایط و تحت اجبار جامعه سنتی رهایی یافته و براساس اراده و میل خود عمل می‌کند. فردگرایی مثبت، به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی، معطوف به مفاهیمی همچون خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس و استقلال فردی است (معیدفر و صبوری، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

به عقیده گیدنز، در عصر حاضر افراد فرصت‌های بیشتری برای شکل دادن به زندگی خویش دارند. پیش از این، رسم و رسوم، نفوذ بسیار نیرومندی بر خط سیر زندگی مردم داشت. عواملی همچون طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت و حتی عقاید دینی می‌توانست دروازه‌هایی را به روی مردم ببندد یا بگشاید. در گذشته هویت‌های شخصی افراد در بستر همان اجتماعی شکل می‌گرفت که در آن به دنیا می‌آمدند، اما در اوضاع و احوال جهانی شدن، ما با حرکتی به سمت فردگرایی نوینی روبرو هستیم که مردم ناچارند خویشتن خویش را، فعالانه بسازند و هویت‌های خویش را بنا کنند (گیدنز، ۱۳۷۸). وی با توضیح مفاهیم انتخاب و بازاندیشی، فردگرایی را تبیین می‌کند. به نظر او بازاندیشی، ویژگی هر نوع کنش انسانی است و دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته باید مورد بازسنجی قرارگیرند و در پرتو اطلاعات تازه، بازتولید شوند. در این راستا، اقدام برای ازدواج و یا داشتن فرزند نیز مدام توسط افراد باز اندیشی می‌شود تا متعارض با خواسته‌ها و نیازهای آنها نباشد.

انتخاب، یکی دیگر از مؤلفه‌های فردگرایی از نظر گیدنز است که به دلیل عدم وجود باورهای تضمین شده، زندگی را از مجاری از پیش تعیین شده منحرف می‌سازد. تجدد، انتخاب‌های متعددی را فراروی شخص قرار می‌دهد و فرد را با چندگانگی انتخاب روبه رو می‌سازد. این چندگانگی و تنوع در انتخاب علاوه بر جنبه‌های عمومی زندگی روزمره، به حوزه روابط خصوصی و احساسات شخصی نیز می‌رسد. تعدد

خانواده، و انطباق ارزش‌ها با وضعیت انتخابی اخیر خانواده، دخیل است.

بررسی سوابق تجربی تحقیق نشان می‌دهد که در مورد تأثیر تحولات ارزشی و نگرشی بر تغییر نگرش‌ها نسبت به ازدواج و فرزندآوری بطور محدود در داخل و خارج از کشور در سال‌های گذشته، تحقیقاتی انجام شده است. ولی تا کنون، یافته‌های دو مطالعه، کشوری، پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) و موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴) که اطلاعات مربوط به شاخص ارزش‌های خانوادگی و نگرش به ازدواج و فرزندآوری را جمع‌آوری و ارائه نموده‌اند مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است. لذا در این مطالعه با استفاده از روش فرا تحلیل، اطلاعات ارائه شده در دو پیمایش فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

چارچوب نظری تحقیق

مبنای نظری این پژوهش متکی بر نظریات ایده‌ای و نگرشی است که اهمیت عوامل ذهنی مانند ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با خانواده و شیوه زندگی را بیشتر از شرایط مادی در رفتارهای خانوادگی تعیین کننده می‌دانند. نظریات ایده‌ای معتقدند که افراد بر اساس ارزش‌ها و باورهای شان عمل می‌کنند و آن‌ها هستند که کنش‌های افراد را جهت دهی می‌نمایند. نظریه‌های ایده‌ای نشان می‌دهند که رفتارهای ازدواج و فرزندآوری در جهت ارزش‌ها و باورها تنظیم می‌شوند. در این مطالعه بر اساس نظریه تحول فرهنگی و ارزشی اینگلهارت و نظریه وندوکا و لستاق در چارچوب نظریه گذار جمعیتی دوم، مبنی بر تأثیر تحول ارزش‌ها و نگرش‌های افراد بر تغییرات ارزش‌های خانوادگی، دو جنبه از تغییرات ارزشی و نگرشی در کشور شامل فردگرایی و ارزش‌های خانوادگی و تأثیر آنها بر دگرگونی در معیارها و شیوه‌های همسرگزینی، نگرش به سن مناسب ازدواج و تعداد فرزند مطلوب مد نظر قرار گرفته است.

تعاریف

-فردگرایی

فردگرایی به عنوان خصیصه‌ای غربی، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه مدرن به شمار می‌آید (گیدنز، ۱۳۷۸). این پدیده به عنوان کلید تغییر قرن، توسط اکثر نظریه پردازان معرفی شده است. برگر فردگرایی را به معنای امکان انتخاب از میان واقعیت‌ها و هویت‌های مختلف می‌داند. گیدنز نیز فردگرایی را از طریق تشریح مفهوم انتخاب، تبیین می‌کند (اعظم‌آزاده و

انتخاب ممکن است بطور مستقیم در مورد روابط با دیگران نیز مطرح باشد، چیزی که می‌توان آن را «تغییر صمیمیت‌ها و آشنایی‌های خصوصی‌نامید (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۲۸ به نقل از عرفانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۵).

اندیشمندانی چون فوکویاما، گیدنز و بک^{۲۷}، ظهور فردگرایی در خانواده را به مثابه رهایی از قیدوبندهای الزام آور بیرونی تعریف و با تمرکز بر تحولاتی چون توسعه شهرنشینی، توسعه آموزش عالی، بهبود وضعیت اشتغال زنان و توسعه فناوری‌های پیشگیری از بارداری تبیین کرده‌اند (بالاخانی، ۱۳۹۶: ۱۳، به نقل از سهراب زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷۷).

در نظریه دورکیم توسعه فردگرایی لیبرال، یکی از ویژگی‌های اصلی گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است.

- ارزشهای اجتماعی^{۲۸}

ارزش‌های اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، تشکیل می‌دهند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۸۶). ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت در جوامع با گذشت زمان دگرگون می‌شوند. نسل‌های بعدی نه تنها بسیاری از ارزش‌هایی که نسل‌های قبلی در گذشته به آن توجه و تأکید می‌کردند، دنبال نمی‌کنند، بلکه ارزش‌های جدیدی جایگزین آنها می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۸۲).

در اصطلاح جامعه‌شناسی نیز ارزش‌های اجتماعی عبارت از چیزهائی است که موضوع پذیرش همگان است. ارزش‌های اجتماعی واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهند که مطلوبیت دارند و مورد درخواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه هستند. در همین رابطه «اک برن» و «نیم کف»^{۲۹} می‌نویسند: «ارزش اجتماعی، واقعه یا امری است که مورد اعتناء جامعه قرار دارد. ارزش اجتماعی، انگیزه‌ی گرایش‌های اجتماعی می‌شود و گرایش‌های اجتماعی، تمایلات کلی هستند که در فرد به وجود می‌آیند و ادراکات، عواطف و افعال او را در جهت‌های معینی به جریان می‌اندازد (اک برن و نیم کف، ۱۳۴۷: ۱۴۳).

ارزش‌ها، احساسات ریشه داری هستند که اعضاء جامعه در آنها سهمیند و همین احساسات غالباً اعمال و رفتار اعضای جامعه را تعیین می‌کنند (کوئن، ۱۳۷۰: ۳۹). ارزش‌ها معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و به جامعه معنا می‌بخشند.

ارزش‌ها ایده‌ها و اعتقاداتی هستند که افراد با کمک و بهره‌گیری از آنها بین کنش یا ابره خوب و بد (مطلوب یا نامطلوب) تمیز قائل می‌شوند. ارزش‌ها منبع تعاملات اجتماعی هستند و برای استقرار نظم اجتماعی اهمیت دارند، زیرا آنها فراهم کننده دستورالعملهایی برای کنش و انتخاب بین بدیل‌های متفاوت قلمداد میشوند. ارزش‌ها را میتوان به مثابه چراغ راهنمای کنش در نظر گرفت که افراد به وسیله آنها برخی «چیزها» را به مثابه «مطلوب» پذیرش، و برخی دیگر را به عنوان «نامطلوب»، رد می‌کنند. بنابراین تصمیمات و اقدامات روزانه افراد، متأثر از ارزش‌ها و نگرش‌های آنهاست. ارزش‌ها و نگرش‌ها در طول زندگی و به واسطه پنداشت افراد از محیط فرهنگی و اجتماعی پیرامونشان آموخته و درونی میشوند. از این رو از رهگذر کسب آگاهی و گذر زمان دچار تغییر و تحول میشوند (موج سوم پیمایش ارزش‌ها، ۱۳۹۴: ۹).

چلبی در خصوص ارزش‌ها می‌گوید: «ارزش‌ها مجموعه‌ای از پنداشت‌های اساسی به آنچه پسندیده است می‌باشد، که تجلی گاه عمیق‌ترین احساسات مشترک نسبت به جهان، در جامعه است» (چلبی، ۱۳۷۵: ۶۰).

- نگرشهای اجتماعی

در کنار ارزش‌ها، مفهوم نگرش‌های اجتماعی قرار دارند که این دو دارای پیوندی وثیق با یکدیگرند. نگرش‌ها بیانگر احساسات افراد در قبال چیزهای مختلف هستند و باعث می‌شوند که افراد در موقعیتی خاص، واکنشی خاص از خود نشان دهند. نگرش‌ها قابل مشاهده نیستند و آنها را می‌توان از روی گرایش به اقدام یا واکنش (مثبت یا منفی) به پدیده‌ها شناخت که مبتنی بر ارزش‌ها هستند، یعنی ارزش‌ها هستند که مبنایی برای جهت‌گیری و تمایلات ایجاد می‌کنند، و نگرش‌ها، خود این جهت‌گیری‌ها و تمایل به نوع اقدام است. نگرش‌ها بیان ارزش‌ها هستند و به واسطه آنچه ما می‌گوییم یا انجام می‌دهیم، بیان می‌شوند. به عبارتی بهتر، کنش‌ها، مبتنی بر نگرش‌ها و نگرش‌ها مبتنی بر ارزش‌ها هستند. نگرش‌ها در طول زمان ساخته می‌شوند و به مدت طولانی همراه ما هستند. با گذشت زمان، نگرش‌های ما تبدیل به انگیزه برای اقدام می‌شوند. با وجود این، نگرش‌ها، همیشه ثابت نیستند و اگر ما تجاربی داشته باشیم که به اندازه کافی برای تغییر آنها قوی باشند، تغییر می‌کنند (موج سوم پیمایش ارزش‌ها، ۱۳۹۴: ۱۰).

27. Beck

28. Social Values

29. Ogburn & Nimkoff

-ارزش‌های خانواده

تغییرات ارزشی خانواده و فردگرایی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده و متغیرهای نگرش به سن ازدواج، معیارها و شیوه‌های همسرگزینی و تعداد مطلوب فرزندان، متغیرهای وابسته این تحقیق را تشکیل می‌دهند. در پیمایش ملی خانواده، ارزش‌های خانوادگی، نگرش به سن مطلوب ازدواج و تعداد مطلوب فرزندان و در موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، شاخص‌های فردگرایی، ارزش‌های خانوادگی، سن مناسب ازدواج و تعداد فرزند دلخواه در قالب گویه‌هایی با طیف پنج قسمتی از مردم پرسش شده و سپس نمره میانگین هر شاخص مورد محاسبه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

روند تحولات شاخص‌های ازدواج و فرزند آوری

میانگین سن ازدواج پسران و دختران، میزان باروری کل (میانگین تعداد فرزندان هر زن در طول سنوات باروری)، و میانگین سن فرزندآوری زنان کشور، در سال‌های ۹۸-۱۳۶۵ در جدول زیر ارائه شده است. با مراجعه به این جدول، مشاهده می‌شود که طی این سال‌ها، میانگین سن ازدواج پسران و دختران به ترتیب از ۲۳/۸ به ۲۸/۱ سال و ۲۰/۱ به ۲۴/۸ سال رسیده است. و می‌توان گفت که میانگین سن ازدواج پسران و دختران در ۴ دهه اخیر به ترتیب با ۴/۳ و ۴/۷ سال افزایش همراه بوده است. میزان باروری کل زنان، در سال ۱۳۶۵ برابر ۷/۱ فرزند بوده که نزدیک به رقم حداکثر (حدود ۸ فرزند) جهانی بوده است. این رقم در سال ۱۳۷۵ با کاهش و افت شدید همراه بوده و به ۲/۹ فرزند رسیده و در سال‌های بعد نیز روند کاهشی آن ادامه یافته است، بطوریکه در سال ۱۳۹۸ به ۱/۷ فرزند رسیده، که از باروری کل در سطح جانشینی^{۳۰} (۲/۱ فرزند) کمتر است.

معمولاً کاهش تعداد فرزندان زنان، با افزایش میانگین سن فرزندآوری آنها همراه است. در ایران نیز این رقم از ۲۵ سال در سال ۱۳۶۵ به ۲۹/۲ سال در سال ۱۳۹۸ رسیده است. افزایش میانگین سن فرزندآوری زنان، متأثر از سه عامل، افزایش میانگین سن ازدواج، افزایش فاصله زمانی ازدواج تا تولد فرزند اول و کاهش فرزندآوری در سنین بالا می‌باشد. در گذشته معمولاً فرزند اول زوجین بین یک تا دو سال بعد از ازدواج متولد می‌شد، در

بخش اعظمی از ارزش‌های جامعه، همان ارزش‌های خانواده است. ارزش‌های خانواده کیفیت‌هایی است که هسته‌ی خانواده را تعریف و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کنند. به سخن دیگر، ارزش‌های خانواده (که اموری بسیار مهم‌اند) بنیان خانواده را محکم می‌کنند. از: ازدواج، محبت، تک همسری، وظیفه‌شناسی، پاکدامنی، پرهیزکاری، ایمان به خدا و سخت کوشی و فرزندآوری، به موازات تحولات رفتار در خانواده، هنجارها، ارزش‌ها، باورها و عقاید افراد درباره‌ی ازدواج و فرزندآوری نیز تغییر می‌یابد و مجموعه‌ای از ارزش‌های نوین خانوادگی شکل می‌گیرد (سرایی و اجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۲).

این متغیرها و ارزش‌ها در پیمایش ملی خانواده و پیمایش موج سوم ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان عبارتند از: معیارهای همسرگزینی، هنجارهای ازدواج، تعداد مطلوب فرزند، نظام تصمیم‌گیری در خانواده، اعمال نظر والدین و نگرش به چند همسری

روش مطالعه

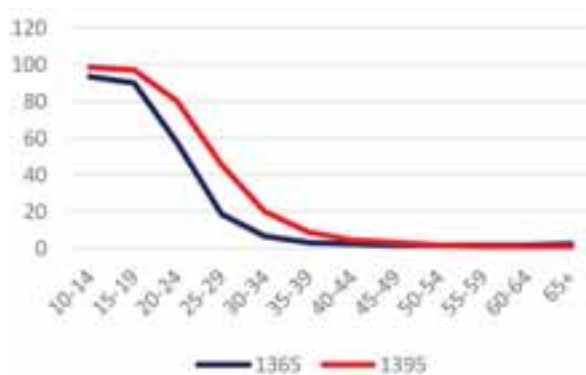
روش مطالعه در این بررسی، دوروش تحقیق اسنادی و تحلیل ثانوی است. در مرحله اول با استفاده از منابع موجود شامل کتب، گزارش‌های تحقیقی و مقالات علمی پژوهشی، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با دگرگونی ارزش‌ها و نگرش‌ها مورد بررسی قرار گرفته و در مرحله دوم، ابتدا با مراجعه به آمارهای رسمی کشور، شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری، محاسبه و تجزیه و تحلیل شده و سپس با مراجعه به داده‌های مربوط به تحول ارزش‌ها و نگرش‌های دو پیمایش، ملی خانواده (۱۳۹۸) با نمونه ۵۰۳۶ نفری از جمعیت ۱۵ ساله ببالای خانوارهای معمولی ساکن در مناطق شهری کشور و نتایج موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، با نمونه ۱۴۹۰۶ نفری از جمعیت ۱۵ ساله ببالا ساکن نقاط شهری و روستایی کشور، وضعیت تحول ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در مورد ازدواج و فرزندآوری، مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این مطالعه برای ارزیابی تحولات ارزش‌های، نگرش‌ها و شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری از روش طولی (مقایسه شاخص‌ها در سه نسل ۲۹-۱۵، ۴۹-۳۰ و ۵۰ ساله ببالا) و مقطعی (مقایسه شاخص‌های در استان‌های کشور) استفاده کرده ایم.

در این پژوهش، دگرگونی ارزشی و نگرشی شامل متغیرهای

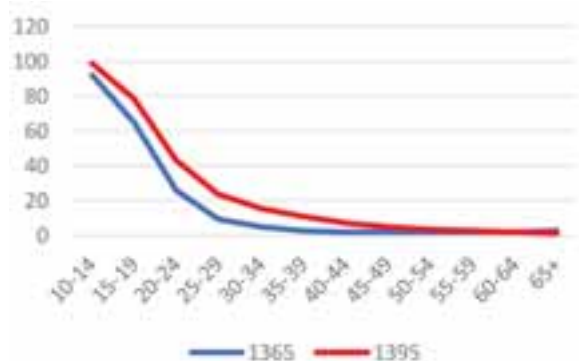
۳۰. دمنی (۲۰۰۳)، در تعریف باروری زیر سطح جانشینی می‌گویند: "باروری زیر سطح جانشینی به آن سطح از باروری گفته می‌شود که در دراز مدت برای بقا جامعه کافی نیست، و در صورت استمرار یافتن، جمعیت هر نسل نسبت به نسل قبلی خود کاهش می‌یابد. به بیان دیگر جمعیت آن جامعه در دراز مدت در معرض انقراض قرار خواهد گرفت.

-تحولات ارزشها و نگرشها در مورد ازدواج و فرزندآوری

به منظور بررسی تحولات ارزشها و نگرشهای ایرانیان در مورد ازدواج و فرزندآوری، یافته‌های پیمایش ملی خانواده (۱۳۹۸) که با هدف ارائه تصویر دقیق و جامع و تعمیم پذیری از وضعیت خانواده در ایران انجام شده را، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در این پیمایش سن مناسب ازدواج پسر و دختر و تعداد فرزند مطلوب، مورد پرسش قرار گرفت که نتایج آن به تفکیک گروه‌های سنی پاسخگویان (سه نسل) در جدول شماره ۲ ارائه شده است. میانگین سن ازدواج پیشنهادی برای پسر و دختر از سوی پاسخگویان به ترتیب برابر ۲۵/۱ و ۲۰/۴ سال می‌باشد. این ارقام در نسل‌های جوانتر بیش از نسل میانسال و بزرگسال است، بطوریکه تفاوت آنها نیز با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد. میانگین تعداد فرزند مطلوب اظهار شده از سوی پاسخگویان، مساوی ۲/۹۶ فرزند است که بین سه نسل مورد بررسی دارای



□ نمودار ۱. درصد مردان مجرد در گروه‌های سنی پنج‌ساله در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۶۵.



□ نمودار ۲. درصد زنان مجرد در گروه‌های سنی پنج‌ساله در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۶۵.

صورتیکه در حال حاضر، این مدت به حدود ۵ سال رسیده است. دو نمودار شماره ۱ و ۲ بیانگر تحولات درصد مجردین مرد و زن طی سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۵ هستند. چنانکه ملاحظه می‌شود درصد مجردین مرد و زن در گروه‌های سنی ۱۹-۱۵، ۲۴-۲۰، ۲۹-۲۵ و ۳۴-۳۰ سال، با افزایش همراه هستند. که بر تأخیر در ازدواج و افزایش سال‌های مجرد زیستی، دلالت می‌کنند.

محاسبه ضریب همبستگی بین میزان باروری کل زنان، طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۸، با سه متغیر میانگین سن ازدواج پسران و دختران و میانگین سن فرزندآوری زنان، بین ۹۹ تا ۹۶ درصد اطمینان، معنی دار بوده و ارتباط بین تغییرات میزان باروری کل با این سه متغیر را نشان می‌دهد. و در هر سه مورد، این رابطه معکوس است، بطوریکه با افزایش سن ازدواج و میانگین سن فرزندآوری، متوسط تعداد فرزندان کاهش می‌یابد.

با توجه به این تحولات می‌توان گفت که از سال ۱۳۸۵، ایران وارد مرحله گذار جمعیتی دوم (که مشخصه اصلی آن باروری زیر سطح جانشینی است) شده است. همچنین افزایش سن ازدواج یکی دیگر از مشخصه‌های گذار جمعیتی دوم است که در ایران شاهد آن هستیم. لستاق و وندوکا معتقدند که در جوامعی که باروری در زیر سطح جانشینی است، گرایش به ازدواج هم، کم می‌شود. این تحولات ناشی از دگرگونی نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی و جایگزینی ارزش‌های فردگرایانه در ابعاد مختلف می‌باشد.

□ جدول ۱. میزان باروری کل، میانگین سن ازدواج مردان و زنان و میانگین سن فرزندآوری زنان در سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۸؛ مأخذ: محاسبه شده بر اساس آمار سازمان ثبت احوال.

سال	میزان		میانگین سن ازدواج		میانگین سن
	باروری کل	مرد	زن	فرزند آوری	
۱۳۶۵	۷/۱	۲۳/۸	۲۰/۱	۲۵/۰	
۱۳۷۵	۲/۹	۲۵/۲	۲۲/۰	۲۷/۰	
۱۳۸۵	۱/۸	۲۶/۲	۲۳/۲	۲۸/۵	
۱۳۹۰	۱/۷	۲۶/۷	۲۳/۴	۲۸/۷	
۱۳۹۵	۲/۰	۲۷/۴	۲۴/۰	۲۹/۰	
۱۳۹۸	۱/۷	۲۸/۱	۲۴/۸	۲۹/۲	
ضریب همبستگی میزان باروری کل با					-۰/۹۴۸
سطح معنی داری					۰/۰۰۴

دختر و پسر قبل از ازدواج اشکالی ندارد، ازدواج مانع پیشرفت است و زندگی دختر و پسر بدون ازدواجی رسمی، اشکال ندارد) میانگین نمره پاسخگویان جوان، بیش از افراد مسن است. بنابراین می‌توان گفت که پاسخگویان مسن‌تر بیشتر نگرش سنتی و پاسخگویان جوان، بیشتر نگرش مدرن به ازدواج داشته‌اند. این یافته‌ها تحولات ارزشی به ازدواج را تأیید می‌کنند.

در پیمایش ملی خانواده، معیارهای همسرگزینی نیز از طریق گویه‌هایی مورد پرسش قرار گرفت که نتایج برخی از گویه‌ها در جدول شماره ۴ ارائه شده است. در اینجا نیز گویه‌ها یا همان معیارهای همسرگزینی را، به دو گروه سنتی و مدرن تفکیک نموده و میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد هر گویه را در سه نسل مورد مقایسه قرار داده ایم. با مراجعه به جدول زیر ملاحظه می‌شود، میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد معیارهای سنتی همسرگزینی (مانند: فامیل بودن همسر، انجام فرایض مذهبی،

تفاوت معنی دار است، و بین ۲/۶۵ (اظهار شده از سوی جوانان) تا ۴ فرزند (اظهار شده از سوی بزرگسالان) نوسان دارد. این نتایج تحول نگرش به ازدواج و فرزندآوری را در سه نسل، مورد تأیید قرار می‌دهد.

در جدول شماره ۳، نگرش پاسخگویان در مورد برخی از ابعاد ازدواج، بصورت گویه‌هایی ارائه شده است. در این جدول گویه‌ها به دو گروه، نگرش سنتی و مدرن تفکیک شده‌اند. در گویه‌های مربوط به نگرش سنتی به ازدواج (مانند: بدون ازدواج زندگی رضایت بخش نیست، ازدواج فامیلی موفق‌تر از ازدواج با غریبه‌ها است، مردان می‌توانند چند همسر داشته باشند و ازدواج استقلال انسان را تا حد زیادی محدود می‌کند)، میانگین نمره پاسخگویان در نسل‌های مسن‌تر بیش از جوانان است. در صورتیکه در گویه‌های مربوط به نگرش مدرن به ازدواج (مانند: دختران می‌توانند از پسران خواستگاری نمایند، رابطه دوستی

□ جدول ۲. سن مناسب ازدواج پسر و دختر و تعداد فرزند مطلوب از دید پاسخگویان به تفکیک گروه‌های سنی آنها؛ مأخذ: پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸: ۸۰، ۳۰۵-۳۰۷.

گروه‌های سنی پاسخگویان	کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری	سطح معنی داری
سن ازدواج پسر	۲۵/۱	۲۵/۵	۲۵/۳	۲۴/۲	-۰/۰۸	+۰/۰۰۰
سن ازدواج دختر	۲۰/۴	۲۱/۲	۲۱	۲۰/۲	-۰/۰۹	+۰/۰۰۰
تعداد فرزند مطلوب	۲/۹۶	۲/۶۵	۲/۸۳	۴/۰۰	+۰/۲۷	+۰/۰۰۰

□ جدول ۳. میانگین نمره نظر پاسخگویان نسبت به گویه‌های مربوط به نگرش به ازدواج به تفکیک سه گروه سنی؛ مأخذ: پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸: ۶۶-۷۹.

نگرش	عنوان گویه	کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری	سطح معنی داری
سنتی	بدون ازدواج زندگی رضایت بخش نیست	۳/۵۰	۳/۲	۳/۴۸	۳/۶۲	-۰/۱۳	+۰/۰۰۰
	ازدواج فامیلی موفق‌تر از ازدواج با غریبه‌ها است	۲/۷۱	۲/۵۸	۲/۷۱	۲/۸۷	-۰/۱	+۰/۰۰۰
	مردان می‌توانند چند همسر داشته باشند	۲/۰۶	۱/۸۵	۲/۰۱	۲/۱۳	-۰/۰۳	+۰/۰۱۶
	ازدواج استقلال انسان را تا حد زیادی محدود می‌کند	۲/۹۷	۲/۹۳	۲/۹۸	۳/۰۰	-۰/۰۲	+۰/۱۷۸
مدرن	دختران می‌توانند از پسران خواستگاری کنند	۲/۸۹	۲/۹۷	۲/۸۹	۲/۸۰	-۰/۰۴	+۰/۰۱
	رابطه دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج اشکال ندارد	۲/۸۳	۳/۱۶	۲/۸۱	۲/۰۰	-۰/۱۴	+۰/۰۰۰
	ازدواج مانع پیشرفت است	۲/۰۸	۲/۳۴	۲/۸۱	۲/۲۷	-۰/۰۳	+۰/۰۱۴
	زندگی دختر و پسر بدون ازدواج رسمی (قانونی) اشکال ندارد	۱/۹۷	۲/۵۹	۱/۹۵	۱/۷۷	-۰/۱	+۰/۰۰۰

نمره نظر پاسخگویان از حداکثر ۵ تا حداقل ۱ متغیر است

فامیل بودن، از طریق معرفی اقوام، از طریق معرفی اعضای خانواده و هم محله بودن)، در میان پاسخگویان مسن‌تر بیش از جوانان است. به تعبیری آشنایی زوجین، در ازدواج‌های چند دهه گذشته بیشتر به روش سنتی بوده است. در صورتیکه روش‌های مدرن آشنایی با همسر (مانند: از طریق معرفی دوستان و آشنایان، آشنایی در محیط کار و آموزشی، آشنایی در مهمانی، آشنایی از طریق اینترنت و در موقعیتهایی مانند پارک، سینما و خیابان)، در بین جوانان همسر دار سهم بیشتری دارند. با توجه به این داده‌ها می‌توان گفت که شیوه‌های همسر گزینی جوانان نیز در حال تغییر می‌باشد. برخی از مسائل ازدواج و خانواده نیز در پیمایش ملی خانواده، طی گویه‌هایی مورد پرسش قرار گرفت. که در اینجا ۴ گویه دارای جنبه سنتی و ۴ گویه با مضمون مدرن را انتخاب نموده که نتایج

قومیت یکسان و بکارت زن)، در نسل‌های بزرگسال بیش از جوانان است. در صورتیکه این میانگین در مورد معیارهای مدرن همسر گزینی (مانند: زیبایی و آراستگی و ثروتمند بودن خانواده همسر)، در میان جوانان پاسخگو نمره بیشتری کسب کرده‌اند. در تمام گویه‌ها، تفاوت نمره میانگین بین سه نسل با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد. البته می‌بایست متذکر شد که این ارتباط در مورد گویه‌های مدرن معکوس است.

نتایج نظر پاسخگویان همسر دار در مورد گویه‌های مربوط به نحوه آشنایی با همسر در جدول ۵ ارائه شده است. نحوه‌های آشنایی با همسر متفاوت بوده که ۴ گویه در گروه سنتی و ۵ گویه در گروه مدرن قرار گرفته است. در اینجا نیز میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد نحوه‌های سنتی آشنایی با همسر (مانند:

□ جدول ۴. میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد انتخاب همسر به تفکیک سه گروه سنی؛ مأخذ: پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸: ۸۵-۱۰۴.

جدول ۴. میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد معیارهای انتخاب همسر به تفکیک سه گروه سنی						
نگرش	عنوان گویه	کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری سطح معنی داری
سنتی	فامیل بودن همسر	۲/۶۸	۲/۶۱	۲/۶۶	۲/۸۲	+۰/۰۰۰
	اتجام فرایض دینی	۳/۸۳	۳/۶۸	۳/۸۱	۴/۰۲	+۰/۰۰۰
	قومیت یکسان	۲/۵	۲/۴۱	۲/۵۴	۲/۵۵	+۰/۰۰۰
	بکارت زن	۴/۰۵	۳/۹۸	۴/۰۴	۴/۱۸	+۰/۰۰۰
مدرن	مدرن زیبایی و آراستگی	۳/۷۳	۳/۸۳	۳/۷۱	۳/۶۸	+۰/۰۰۹
	ثروتمند بودن خانواده همسر	۲/۹۷	۳/۱۳	۲/۹۴	۲/۸۵	+۰/۰۰۰

نمره نظر پاسخگویان از حداکثر ۵ تا حداقل ۱ متغیر است

□ جدول ۵. توزیع درصد پاسخگویان همسر دار بر حسب نحوه آشنایی با همسر به تفکیک سه گروه سنی؛ مأخذ: پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۸.

نگرش	نحوه آشنایی با همسر	کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری سطح معنی داری
سنتی	فامیل بودن	۲۳/۷	۱۹/۸	۲۳/۵	۲۵/۹	+۰/۰۰۰
	از طریق معرفی اقوام	۲۱/۴	۲۳	۲۱/۳	۲۱/۱	+۰/۰۰۳
	از طریق معرفی اعضای خانواده	۱۹/۵	۱۸/۸	۱۹/۴	۱۹/۷	+۰/۱۲۵
	هم محله بودن	۱۰/۹	۹/۷	۹/۸	۱۳/۳	+۰/۰۰۰
مدرن	از طریق معرفی دوستان و آشنایان	۱۵/۱	۱۵/۱	۱۵/۴	۱۴/۴	+۰/۰۰۸
	آشنایی در محیط کار و محیط آموزشی	۵/۷	۷/۶	۶/۷	۳/۵	+۰/۰۰۰
	مدرن آشنایی در مهمانی	۱/۳	۲/۱	۱/۵	۰/۶	+۰/۰۱۴
	آشنایی از طریق اینترنت	۰/۳	۱	۰/۲	۰	+۰/۰۰۰
	در سایر موقعیتهای (پارک، سینما، خیابان)	۲/۱	۲/۹	۲/۲	۱/۵	+۰/۰۲۷

آن با نگرش به ازدواج و فرزندآوری، از یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۴)، استفاده شده که نتایج آن در دو جدول ۷ و ۸ ارائه شده است. طبق ارقام مندرج در جدول ۷، میانگین سن ازدواج پسر و دختر از دید پاسخگویان به ترتیب برابر ۲۴/۸ و ۲۰/۵ سال می‌باشد که در بین سه نسل جوان، میانسال و مسن تفاوت وجود دارد و افراد جوان به سن بالاتری برای ازدواج پسر و دختر اشاره نموده‌اند. میانگین تعداد فرزند دلخواه برابر ۲/۶۴ بوده که از سوی پاسخگویان جوان، تعداد فرزند کمتری پیشنهاد شده است. در این پیمایش، میانگین نمره شاخص فردگرایی برابر ۲/۳۴ بدست آمده که کمتر از حد متوسط (نمره ۳) می‌باشد. نمره این شاخص در میان جوانان پاسخگو بیش از افراد سنین بالاتر است و تفاوت بین آنها با ۹۹ درصد اطمینان معنی دار می‌باشد. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که شاخص فردگرایی در جامعه ایران، در بین جوانان رو به افزایش می‌باشد.

آن در جدول ۶ مندرج است. میانگین نمره پاسخگویان بزرگسال (بالای ۵۰ سال) در تمام گویه‌هایی که جنبه سنتی داشته‌اند (مانند: اطلاع والدین از آشنایی پیش از ازدواج، خانواده تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج فرد و اهمیت نظر خانواده در ازدواج دختر و پسر) بیش از جوانان بوده و به تعبیری می‌توان گفت که این نوع ارزش‌ها به مرور در جامعه ما رو به کمرنگ شدن هستند. در عوض میانگین نمره گویه‌هایی که جنبه مدرن دارند (مانند: آشنایی نزدیک پیش از ازدواج، شناخت کافی قبل از ازدواج، خود فرد تصمیم گیرنده اصلی در ازدواج بوده و داشتن حق طلاق برای زنان)، در بین جوانان بیش از افراد مسن است. که این خود نیز بر تغییر ارزش‌های مربوط به ازدواج و خانواده دلالت می‌کند.

تحولات فردگرایی و تأثیر آن بر نگرشها در مورد ازدواج و فرزندآوری
به منظور پی بردن به تغییرات شاخص فردگرایی و سنجش ارتباط

□ جدول ۶. درصد نظر پاسخگویان در مورد برخی از مسائل ازدواج و خانواده به تفکیک سه گروه سنی؛
مأخذ: پیمایش ملی خانواده، ۱۳۹۸: ۱۱۲-۱۲۰.

نگرش عنوان گویه	کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری	سطح معنی داری
اطلاع والدین از آشنایی پیش از ازدواج	۹۱/۴	۸۷/۳	۹۱/۷	۹۳/۸	-۰/۰۷	+۰/۰۳
تصمیم گیرنده در ازدواج (خانواده)	۲۴/۵	۱۲/۲	۲۲/۵	۴۰	-۰/۰۶	+۰/۰۲
اهمیت نظر خانواده در ازدواج دختر	۷۶/۴	۷۲/۶	۷۸/۸	۷۹/۳	-۰/۰۲۳	+۰/۰۰۷
اهمیت نظر خانواده در ازدواج پسر	۷۴/۵	۶۹/۳	۷۶/۸	۷۷/۰	-۰/۰۵۷	+۰/۰۰۶
آشنایی نزدیک پیش از ازدواج	۲۵/۷	۲۴/۸	۲۹/۴	۱۶/۰	-۰/۱۶	+۰/۰۰
شناخت کافی قبل از ازدواج	۲۸/۰	۵۲/۳	۲۹/۱	۲۳/۶	-۰/۰۷	+۰/۰۰۰
تصمیم گیرنده در ازدواج (خودم)	۳۳/۵	۳۱/۳	۳۸/۲	۲۷/۴	-۰/۰۰۲	+۰/۰۲۳
داشتن حق طلاق برای زنان	۵۹/۶	۶۲/۷	۶۱/۸	۵۴/۳	-۰/۱۲	+۰/۰۱۷

□ جدول ۷. سن مناسب ازدواج پسر و دختر و میانگین تعداد فرزند دلخواه از دید پاسخگویان و میانگین نمره شاخص فردگرایی به تفکیک گروه‌های سنی بر اساس یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛
مأخذ: موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۹۴: ۴۴، ۵۹، ۴۱۵.

کل	15-29	30-49	50+	ضریب آماری	سطح معنی داری
سن مناسب ازدواج پسر	۲۴/۸	۲۴/۹	۲۴/۲	-۰/۰۵	+۰/۰۱۲
سن مناسب ازدواج دختر	۲۰/۵	۲۰/۸	۱۹/۹	-۰/۰۰۶	+۰/۰۰۹
تعداد فرزند دلخواه	۲/۶۴	۲/۴۹	۲/۶۱	-۰/۱۶	+۰/۰۰۰
شاخص فردگرایی	۲/۳۴	۲/۴۳	۲/۳۳	-۰/۰۷	+۰/۰۰۶

نمره نظر پاسخگویان در مورد فرد گرایی از حداقل ۱ تا حداکثر ۵ متغیر است

طبیعی (۷/۱ فرزند)، به باروری ارادی و به زیر سطح جانشینی (۱/۷ فرزند) رسیده و میانگین سن ازدواج پسران و دختران با حدود ۵ سال افزایش همراه بوده است. همچنین معیارها و شیوه‌های همسرگزینی نیز تغییر کرده است. ون دوکا و لستاق در نظریه گذار جمعیت شناختی دوم، معتقدند که این تغییرات عمدتاً متأثر از فردگرایی می‌باشد. در این رویکرد، دلیل تغییر باروری به زیر سطح جانشینی، تغییر ارزش‌ها و ایدئولوژی توسعه فردی و یا خود تحقق بخشی و اهمیت آزادی اجتماعی و فردی است. به طوری که افراد زمانی تصمیم می‌گیرند یک بارداری را بپذیرند که تولد برایشان مطلوب باشد و به غنا و توسعه زندگی آن‌ها منجر شود (ون دوکا، ۲۰۱۵). از این رو رشد فردگرایی و میل به خودشکوفایی، به عنوان ویژگی گذار جمعیتی دوم، معمولاً رابطه نسبتاً مستقیمی با اهداف باروری افراد دارد. مطالعه، تأثیر دگرگونی ارزشی و نگرشی ایرانیان بر تحولات ازدواج و فرزندآوری نشان داد که در بین سه نسل، گرایش به فرزندآوری کاهش یافته، سن مناسب ازدواج از دید پاسخگویان با افزایش همراه است و معیارها و شیوه‌های همسرگزینی در نسل جوان متفاوت از جمعیت میانسال و مسن است. آزمون همبستگی بین تغییرات تعداد فرزند دلخواه و سن مناسب ازدواج با میزان فردگرایی نیز بیانگر ارتباط معنی دار بین آنها می‌باشد. لذا با توجه به این یافته‌ها می‌توان گفت که تحولات ازدواج و فرزندآوری در ایران به میزان زیادی ناشی از تغییرات ارزشی و نگرشی افراد است. بنابراین صرفاً تأکید بر تأثیر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بر تغییرات ازدواج و فرزندآوری و برنامه ریزی و سیاست‌گذاری بر مبنای آنها جوابگو نیست. و می‌بایست سیاست‌های مربوط به کاهش سن ازدواج و افزایش فرزندآوری، بیشتر مبتنی بر معیارهای فرهنگی باشد.

برای سنجش ارتباط بین نگرش پاسخگویان در مورد تعداد فرزند دلخواه و سن مناسب ازدواج پسر و دختر با شاخص فردگرایی جدول ۸ تنظیم شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود میانگین تعداد فرزند دلخواه با کاهش میزان فردگرایی پاسخگویان افزایش می‌یابد و بیانگر ارتباط معکوس این متغیر با فردگرایی است. در عوض سن مناسب ازدواج پسر و دختر با شاخص فردگرایی ارتباط مستقیم دارند، بطوریکه هر چه میزان فردگرایی بیشتر باشد، سن پیشنهادی ازدواج پسر و دختر هم افزایش می‌یابد. و نتایج آزمون آنالیز واریانس هر سه متغیر با شاخص فردگرایی معنی دار بدست آمده است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که تحولات شاخص‌های ازدواج و فرزندآوری در کشور ما نیز، مانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته، از فردگرایی تأثیر پذیرفته است. در آزمون ضریب همبستگی پیرسون، بین نمره گویه‌های مربوط به تعداد فرزند مطلوب و فردگرایی در استان‌های کشور، ارتباط وجود دارد و با افزایش فردگرایی رتبه باروری استان‌ها کاهش می‌یابد. بنابراین بین این دو متغیر رابطه معکوس وجود دارد. بدین معنا که هر چه میزان فردگرایی در میان استان‌های کشور بیشتر باشد، نرخ باروری آن استان نسبت به استان‌های دیگر پایین‌تر است. همچنین نتایج حاصل از آزمون ارتباط بین میزان باروری با ارزش‌های خانوادگی، بیانگر وجود ارتباط کاملاً معناداری بین این دو متغیر در بین استان‌های کشور است. بدین معنا که استان‌های با بیشترین میزان اهمیت به ارزش‌های خانوادگی از بالاترین نرخ‌های باروری برخوردار می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

میزان فرزندآوری در ایران طی ۴ دهه اخیر از میزان باروری در حد

□ جدول ۸. میانگین نمره نظر پاسخگویان در مورد تعداد مطلوب فرزند و سن مناسب ازدواج پس و دختر به تفکیک میزان فردگرایی بر اساس یافته‌های موج سوم پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان.

میزان فردگرایی	تعداد فرزند مطلوب	سن مناسب ازدواج پسر	سن مناسب ازدواج دختر
خیلی زیاد	۲/۳۲	۲۶/۲۹	۲۱/۷۵
زیاد	۲/۴۵	۲۵/۵۸	۲۱/۲۲
متوسط	۲/۷۴	۲۵/۳۲	۲۰/۹۱
کم	۲/۷۶	۲۵/۳۱	۲۰/۸۶
خیلی کم	۳/۰۲	۲۴/۵۸	۲۰/۰۶
کل	۲/۶۷	۲۵/۲۸	۲۱/۰۶
مقدار آزمون F	-۳/۱۵	۲/۱۰	۲/۲۷
ضریب خطا	-۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۰۵

منابع

- اعظم آزاده، منصوره. و عاصفه توکلی (۱۳۸۶)، «فردگرایی، جمع گرایی و دینداری»، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، شماره ۳، ۱۰۱-۱۲۵
- افشار کهن، جواد، محمود رضائیان (۱۳۹۷)، «مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده»، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۱۲، ۲۹۳-۳۲۶
- آگ برن و نیم کف (۱۳۴۷)، «زمینه جامعه‌شناسی»، ترجمه امیر حسین آریان پور، تهران: انتشارات فرانکلین، چاپ شرکت سهامی افست
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی»، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر
- اینگلهارت، رونالد، ولزل، کریستین. (۱۳۸۹)، «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر
- بالاخانی، قادر؛ ملکی، امیر (۱۳۹۶)، «بررسی ظهور فردگرایی در عرصه خانواده»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۷، ۷۷-۳۴
- بیرو، آلن (۱۳۶۷)، «فرهنگ علوم اجتماعی»، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان
- جهاد دانشگاهی استان البرز (۱۳۹۸)، پیمایش ملی خانواده، استان البرز، انتشارات جهاد دانشگاهی
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، «جامعه‌شناسی نظم»، تهران: نشر نی
- رازقی، حبیبه بی بی (۱۳۹۵)، «تفاوت‌های نسلی در ازدواج خویشتاوندی در استان سمنان»، دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، شماره ۱، ۹۵-۱۱۸
- رستگار خالده امیر و میثم محمدی (۱۳۹۴)، «تغییرات فرهنگی و افت باروری در ایران، بر پایه تحلیل ثانوی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و ششم، شماره پیاپی ۵۸، شماره دوم، ۱۵۹-۱۸۰
- زمانیان، علی (۱۳۸۷)، «تغییرات بنیادین نهاد خانواده در چند دهه اخیر در ایران»، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی
- سرایی، حسن (۱۳۸۵)، «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، صص ۶۰-۳۷.
- سرایی، حسن (۱۳۸۷)، «گذار جمعیتی دوم، با نیم نگاهی به ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸
- سرایی حسن و سجاد اوجاقلو (۱۳۹۲)، «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۴، ۴۱-۱۹
- سربینی‌واسان، کی. (۱۳۸۴)، «فنون اساسی تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی»، ترجمه محمد امین کنعانی، انتشارات دانشگاه گیلان
- سهراب زاده مهران، محسن نیازی، هادی افرا (۱۳۹۹)، «تبیین جامعه شناختی رابطه فردگرایی و تغییر در ساختار خانواده»، دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره هشتم، شماره اول، ۱۷۳-۱۹۴
- شاه آبادی، زهرا، حسن سرایی، فریده خلیج آبادی فراهانی (۱۳۹۲)، «نقش فردگرایی در قصد باروری زنان در شرف ازدواج (مطالعه شهرستان نیشابور)»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۱۶، صص ۵۴-۲۹
- عباسی شوازی محمد جلال، مرجان رشوند (۱۳۹۶)، «سهم ارزش ازدواج بر وضعیت ازدواج زنان ۲۰-۳۴ ساله شهر تهران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۶، ۶۶-۳۷
- عباسی شوازی، محمد جلال، حسین محمودیان، رسول صادقی، زهرا قربانی (۱۳۹۷)، «تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی نگرشی بر ایده آل‌های فرزندآوری در ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۲۶، ۶۶-۳۷
- عرفانی، امیر، رویا جهانبخش، عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۹)، «فردگرایی و نیت باروری»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال پانزدهم، شماره ۲۹، ۲۶۴-۲۳۹
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۷)، «رویکرد اجتماعی به الگوهای ازدواج»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۹۷، ۳۶-۹
- فروتن یعقوب (۱۳۹۲)، چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی، فصلنامه مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، ۱۲۲-۱۰۵
- کوئن، بروس (۱۳۷۰)، «در آمدی به جامعه‌شناسی»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، «پیامدهای مدرنیت»، ترجمه محسن